



Revisiting the Role of Criminal Law in Good Governance: A Case Study of the Minimum Age of Criminal Responsibility in the Criminal Law of Iran and England

Abbas Zarei¹, Hojat Sabzevarinejad², Shahraddar Darabi³

¹ Ph.D., Student, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Abbaszarei00@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran (**Corresponding author**). hojat.sabzevarinejad@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. shahrdad.darabi@yahoo.com

Abstract

Good governance is achieved based on specific indicators, among which the existence of lawful and just legal frameworks is of utmost importance. Accordingly, all citizens are subject to the law and accountable for their actions. One of the laws that guide societies toward good governance is criminal law. Among criminal law provisions, determining the minimum age of criminal responsibility is a particularly crucial issue that requires a clear, explicit, and just statute. In this thematic domain, a comparative study of the laws of two countries reveals how criminal legislation contributes to the realization of good governance. The determination of the minimum age of criminal responsibility in the criminal law systems of Iran and England, which are selected here as case studies, is examined in comparison with international instruments, which serve as models for standardizing juvenile criminal justice. This standard varies across societies and individuals due to factors such as climate, race, and socio-environmental conditions. Such diversity in the criteria for establishing criminal responsibility among children has hindered the formation of a unified legal approach in different societies regarding a specific age threshold. Hence, various international instruments recommend that member states determine a "minimum" age of criminal responsibility and adopt a gradual responsibility system in dealing with children and juveniles in conflict with the law. Clearly defined age thresholds for criminal responsibility can serve as indicators of good legislative governance. In this regard, the primary question of this research is: How do the criminal law systems of Iran and England, in determining the age of criminal responsibility, affect the process of achieving good governance? It appears that the legal systems of both countries have undergone numerous legislative reforms and to some extent align with international instruments and standards. In Iranian Islamic Penal Code, this is reflected in the distinction between the "age of puberty (bulūgh) for criminal liability," "age of criminal responsibility," and the classification of crimes into those requiring hadd or qisās punishments and those resulting in ta'zīr penalties. This study utilizes data analysis to explain the role of criminal law in Iran and England and its impact on good governance. Findings indicate that the minimum age

Received: 2024-08-20 ; Received in revised form: 2024-09-23 ; Accepted: 2024-11-07 ; Published online: 2024-12-23

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.2005607.2091>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



of criminal responsibility in international instruments and in the United Kingdom is 18 full years, and individuals under 18 are considered children. In Iran, the age of puberty is 9 lunar years for girls and 15 lunar years for boys. Nevertheless, regarding criminal responsibility, if an individual under 18 commits a crime punishable by death, such a person shall not be executed; the execution is to be deferred until reaching the legal age. Criminal laws aligned with the principles of good governance contribute to enhancing the political legitimacy of the system and increasing public satisfaction. Promulgating such laws raises public awareness about their rights and duties and thereby promotes sustainable human development.

Keywords: Criminal Responsibility, Age of Criminal Maturity, Children, Juveniles, Iran, England, Legal Systems, Age of Puberty, Good Governance.

بازخوانی نقش قوانین کیفری و حکمرانی مطلوب: نمونه موردی تعیین حداقل سن کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلستان

عباس زارعی^۱، حجت سبزواری نژاد^۲، شهرداد دارابی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Abbaszareii00@gmail.com
^۲ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسؤل).
hojat.sabzevarinejad@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. shahrdad.darabi@yahoo.com

چکیده

حکمرانی مطلوب بر اساس شاخص‌های معینی تحقق می‌یابد. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها وجود قانونمندی و چارچوب‌های قانونی عادلانه است. بر این اساس، همه شهروندان از قانون تبعیت می‌کنند و مسؤل اعمال خود هستند. از جمله قوانینی که جوامع را در دستیابی به حکمرانی مطلوب رهنمون می‌شود، قوانین کیفری است. در میان قوانین کیفری، یکی از موارد بسیار مهمی که نیازمند قانونی شفاف، صریح و عادلانه است، تعیین حداقل سن کیفری است. در این قلمرو موضوعی مطالعه و بررسی تطبیقی این قانون میان دو کشور می‌تواند چگونگی کاربست قوانین کیفری در تحقق حکمرانی مطلوب را نشان دهد. تعیین حداقل سن کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلستان که در این پژوهش به عنوان نمونه موردی تعیین شده است، در مقایسه با اسناد بین‌المللی، به‌مثابه یکی از الگوهای استانداردسازی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی به‌شمار می‌آید. این امر با عنایت به معیارهایی نظیر آب و هوا، نژاد و موقعیت محیطی و اجتماعی و...، حسب جوامع مختلف و افراد انسانی، متفاوت است. این تنوع و گوناگونی معیارهای تعیین سن مسؤلیت جزائی اطفال، مانع از ایجاد وحدت رویه میان جوامع مختلف در خصوص سن خاصی بوده است. لذا، در اسناد بین‌المللی مختلف، به دولت‌های عضو پیشنهاد گردیده که اقدام به تعیین «حداقل» سن مسؤلیت کیفری نموده و در قبال رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان معارض قانون، نظام مسؤلیت کیفری تدریجی را اتخاذ نمایند. مشخص و دقیق بودن مرز سنی برای مسؤلیت‌پذیری، می‌تواند به‌مثابه یکی از نشانگان حکمرانی مطلوب در ساحت تقنینی باشد. در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان، در حوزه تعیین سن مسؤلیت کیفری، چگونه بر فرایند دستیابی به حکمرانی خوب اثرگذار است؟ به نظر می‌رسد که نظام حقوقی دو کشور مورد بررسی تغییرات تقنینی متعددی را به خود دیده است و

استاد به این مقاله: زارعی، عباس؛ سبزواری نژاد، حجت؛ دارابی، شهرداد (۱۴۰۴). بازخوانی نقش قوانین کیفری و حکمرانی مطلوب: نمونه موردی تعیین حداقل سن کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلستان. *سیاست متعالیه*. ۱۲(۴): ۲۵۹-۲۸۲.

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.2005607.2091>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



کم و بیش، با اسناد و قواعد بین‌المللی همراه می‌باشند. این امر در قانون مجازات اسلامی ایران از طریق مفهوم تمایز میان «سن بلوغ کیفری» و «سن مسئولیت کیفری» و «جرایم مستوجب کیفر حد یا قصاص» و «جرایم موجب تعزیر» مشخص می‌شود. در این پژوهش از روش تحلیل داده‌ها برای تبیین نقش قوانین کیفری ایران و انگلستان و تاثیر آن در حکمرانی مطلوب استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است سن مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی و در کشور انگلستان ۱۸ سال تمام است و افراد زیر ۱۸ سال کودک تلقی می‌شوند. در ایران سن بلوغ، در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است. در عین حال از لحاظ مسئولیت کیفری، اگر کسی در مقطع سنی کمتر از ۱۸ سال مرتکب جرمی شود که مجازات اعدام دارد، چنین فردی محکوم به مجازات اعدام نخواهد شد و تا رسیدن به سن قانونی می‌بایست حکم اعدام متوقف شود. قوانین کیفری متناسب با حکمرانی مطلوب موجب تقویت مشروعیت سیاسی نظام و افزایش رضایتمندی عمومی می‌شود. اعلام این قوانین کیفری سبب افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق و تکالیف خود شده و در نتیجه به نوعی توسعه پایدار انسانی را موجب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت کیفری، سن رشد جزائی، اطفال، نوجوانان، مسئولیت کیفری، ایران، انگلستان، قوانین حقوقی، سن بلوغ، حکمرانی مطلوب.

۱. مقدمه

از حیث مفهوم‌شناسی اصطلاحی، «سن مسئولیت کیفری» عبارت از سنی است که اطفال تا قبل از رسیدن به آن سن، مبری از مسئولیت کیفری بوده و قابلیت سرزنش کیفری از طریق توسل به مجازات را ندارند و نمی‌توان با آنها برخورد جزایی نمود. عامل ممیزساز اطفال و نوجوانان معارض قانون از بزهکاران بزرگسال، عامل «سن» می‌باشد. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ارتباط با تعیین «سن مسئولیت کیفری» بایستی میان دو دسته جرایم تعزیری و جرایم موجب کیفر حد یا قصاص، تفکیک نموده و آنگاه به بررسی این مهم پرداخته شود؛ زیرا با عنایت به مواد (۸۸)، (۸۹) و (۹۱) و نیز، مواد (۱۴۶)، (۱۴۷) و (۱۴۸) این قانون، استنباط می‌گردد که هرچند قانونگذار، در مقام تفکیک اصطلاحی «اطفال و افراد نابالغ» و «بزرگسالان»، -همچون قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰-، متوسل به «تعیین سن بلوغ کیفری» گردیده است و «افراد نابالغ» را مشتمل بر دخترانی که به سن نه سال تمام قمری و نیز، مشتمل بر پسرانی که به سن پانزده سال تمام قمری نرسیده باشند، دانسته است؛ با این وجود، یکسانی «سن بلوغ کیفری» و «سن مسئولیت کیفری» صرفاً در قلمرو جرایم مستوجب کیفر حد یا قصاص وجود داشته و خارج از حوزه جرایم موجب تعزیر است.

حتی، برخلاف رویه تقنینی قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، قانون جدید مستند به ماده (۹۱) در قلمرو جرایم موجب حد یا قصاص نیز، اقدام به نوآوری نموده و از نظام پاسخ‌دهی کیفری تعدیل‌یافته‌تری سخن رانده است. به‌گونه‌ای که براساس این ماده، «در جرایم کیفری وقتی افراد بالای هجده سال ماهیت جرم ارتكابی یا حرمت آن را درک نکنند، یا رشد و بلوغ فکری آنها حسب مورد، مشکوک باشد؛ به‌صورت موردی تعیین می‌شود»، مجازات‌ها در این فصل، اعمال خواهد شد. در تبصره (۱) این ماده قانونی، مقرر شده است که: «دادگاه می‌تواند برای تشخیص رشد و کمال عقل، نظر پزشک قانونی را درخواست کند، یا از هر وسیله دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند». در نظام حقوق کیفری انگلستان نیز، در پی اصلاحات تقنینی سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ میلادی در این کشور، «حداقل سن مسئولیت کیفری» به ده سال افزایش یافت و نسبت به اطفال زیر ده سال، مطلقاً اماره غیرقابل ردّ «عدم رشد» حاکم گردیده است. همچنین، نسبت به کودکان ده تا چهارده سال نیز، که پیش از این، «اماره قابل ردّ عدم رشد» حاکم بود؛ این اماره، حذف شده و آنها رشید محسوب گردیدند. نظام پاسخ‌دهی در قبال اطفال و نوجوانان معارض قانون نیز، دستخوش تغییراتی چند شد؛ که گاه شائبه حرکت به سمت کیفرگرایی را به ذهن القاء می‌نماید.

در پژوهش حاضر، قوانین مربوط به سن مسئولیت کیفری اطفال در دو کشور ایران و انگلستان، از جهات

و جنبه‌های متعدد، مورد بحث قرار گرفته و ابهامات و تناقضات و نارسایی‌های مقررات حاکم بر این دو کشور با مقررات بین‌المللی بررسی و راهکارهای لازم برای رفع این تناقضات و تضادها و رسیدن به سطح استانداردهای بین‌المللی، ارائه خواهد شد. این اقدامات در راستای حکمرانی مطلوب و بهبود کیفیت زندگی مردم، لازم و ضروری است. سن مسئولیت جزایی اطفال در قوانین کیفری موضوعه و لوایح پیشنهادی به مجلس قانون مجازات اسلامی جدید، مصوب ۱۳۹۲، تغییری در رژیم مسئولیت کیفری قانون مجازات اسلامی قبلی مصوب ۱۳۷۰، ایجاد نکرد؛ تا از موازین شرعی عدول نکند و مسئولیت کیفری تصاعدی پیش‌بینی کرد. رسیدن فرزندان به سن «بلوغ شرعی»، مورد تردید قرار گرفته و رژیم مسئولیت کیفری براساس «رشد و کمال عقل» پیش‌بینی شده است.

۲. حکمرانی مطلوب

اصطلاح حکمرانی مطلوب، در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار توسط بانک جهانی مورد استفاده قرار گرفت. مسئله اصلی در حکمرانی مطلوب، بهبود کیفیت عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگ و... می‌باشد. در رویکرد حکمرانی مطلوب با هدف سامان دادن به امور جامعه و توسعه کارآمد جامعه، مفاهیمی چون برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته است (میدری، ۱۳۸۵: ص ۲۷۰). از نظر بانک جهانی، حکمرانی در معنای مطلوب آن، مستلزم وجود یک سیاست‌گذاری شفاف و آزادانه، یک دیوان‌سالاری توأمان با اخلاق حرفه‌ای، یک قوه مجریه پاسخگو و یک جامعه مدنی پویا و مشارکت‌کننده در امور عمومی است؛ که فعالیت همگی این موارد، در چارچوب حاکمیت قانون، امکان‌پذیر خواهد بود.^۱

۲-۱. اصول حکمرانی مطلوب

با توجه به تعریف بانک جهانی، حکمرانی مطلوب دارای ۷ اصل است، که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. **اصل شفافیت:** شفافیت، به جریان آزاد اطلاعات و توانایی دسترسی راحت به آن برای همه، تعریف شده است.

اصل پاسخگویی: به معنای پاسخگو بودن همه نهادها و سازمان‌ها و... در چارچوب قانون و زمان مشخص، در مقابل ارباب رجوع است.

مسئولیت‌پذیری: این اصل به این معنا است که در کنار مؤسسات و نهادهای حاکمیتی، ضروری است که همه نهادهای خصوصی و مدنی نیز، در مقابل اقدامات خود مسئولیت‌پذیر باشند (حیدریان دولت‌آبادی و توسلی نائینی، ۱۳۹۷: ص ۴۲۰).

حاکمیت قانون: وجود قانونمندی و چارچوب‌های قانونی عادلانه، لازمه حکمرانی مطلوب است. قانونی که حامی شهروندان و حقوق آنان باشد. براین اساس، همه شهروندان به‌ویژه مسئولین، از قانون تبعیت می‌کنند و مسئول اعمال خود هستند.

مشارکت: این اصل به معنای حضور همه مردم، چه به‌صورت مستقیم و چه غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است؛ که لازمه آن، وجود آزادی بیان و نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد است.

برابری طلبی و فراگیر بودن: این اصل به این معنا است که، رفاه هر جامعه در گرو این است که همه اعضای جامعه احساس کنند که در آن سهم دارند. بنابراین، همه گروه‌های جامعه برای رسیدن به رفاه، موقعیت‌هایی داشته باشند.

کارایی و اثربخشی: در حکمرانی مطلوب، فرآیندها و مؤسسات موجود، با استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارند، نیازهای جامعه را پاسخ می‌دهند. مؤلفه‌های کارآمدی عبارتند از: ارائه خدمات عمومی به آسانی و باکیفیت، نظام اداری باکیفیت، شایسته‌سالاری مدیران و کارگزاران و غیره (سردارنیا، ۱۳۹۱: ص ۱۶۷).

۲-۲. پیامدهای حکمرانی مطلوب

حکمرانی خوب با هدف بهره‌بری از حداکثر توان بالقوه جامعه، برای رسیدن به توسعه پایدار در همه ابعاد جامعه است. از مهم‌ترین پیامدهای حکمرانی خوب، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- نگاه واقع‌بینانه در اداره کشور.
- تقویت مردم‌سالاری و مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.
- اعتماد مردم به برنامه و سیاست‌های مسئولین، حمایت از آنان و افزایش سرمایه اجتماعی.
- تقویت مشروعیت سیاسی نظام و افزایش رضایتمندی عمومی.
- افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق و تکالیف خود و مسئولین.
- توسعه پایدار انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش شکاف‌های اجتماعی.
- کاهش فساد و افزایش سلامت اداری (شاکری: ۱۴۰۳: ص ۹۳).

۳. عملکرد سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد کوشیده است از مسیر تصویب چهار سند مهم، اجرای عدالت دربارهٔ اطفال را بهبود بخشد، از جمله:

(۱) مجموعه قواعد حداقل سازمان ملل، دربارهٔ تشکیلات و چگونگی دادرسی اطفال، موصوف به «قواعد بیچینگ»^۱ (Gibson & Cavadino, 2002: p. 99).

(۲) اصول راهبردی سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم اطفال، موصوف به «اصول ریاض».

(۳) قواعد حداقل سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی (Wilson & Ashton, 2001: p. 78).

(۴) پیمان‌نامه یا معاهدهٔ بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ هم، اصول فوق را به شکل «قوانین لازم‌الاجرا» مورد تأکید قرار داده و صدور حکم اعدام در مورد محکومانی که هنگام ارتکاب جرم، کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند را ممنوع اعلام کرده است. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی نیز، منبع مهمی برای حمایت از حقوق کودکان است؛ زیرا این اعلامیه، همه انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌هایشان شامل می‌شود، که طبعاً کودکان را نیز در بر می‌گیرد (مهرا، ۱۳۸۹: ص ۲۳). به‌طور کلی، سه رژیم مسئولیت در این قانون پیش‌بینی شده است: «مسئولیت تدریجی غیرکیفری، مسئولیت کیفری پیش‌بینی شده در ماده ۸۸ و مسئولیت کیفری مبتنی بر نیل به رشد کمال و عقل». رویکرد جدید مبارزه با بزهکاری نوجوانان، رویکردی تلفیقی مبتنی بر راهکارهای اجتماعی با الهام از عدالت ترمیمی، راهکارهای آموزشی و راهکارهای اصلاح‌شده و گاه شدید کیفری است. واکنش اجتماعی برخاسته از عدالت ترمیمی، از مسیر مشارکت جامعهٔ مدنی است و با هدف تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان بزهکار، اعمال می‌شود. در عدالت ترمیمی، جرایم به‌طور عام و جرایم اطفال به‌طور خاص، «خطای اجتماعی» تلقی می‌شود؛ نه اقدامی علیه دولت و امنیت جامعه، و هدف اصلی آن، پیش‌بینی راه‌حل‌هایی مبتنی بر جبران خسارات وارده به کودک است (بنگرید به: نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۱ الف؛ نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۱ ب؛ غلامی، ۱۳۸۳).

کودکان و نوجوانان هر جامعه، نسل آینده محسوب می‌شوند؛ حتی کودکان و نوجوانانی که دچار بزه شده‌اند. حکمرانی مطلوب ایجاب می‌کند که قوانین قضایی، عادلانه و در راستای بازگشت آنان به آغوش جامعه باشد.

۴. پذیرش سن مسئولیت کیفری و تعدیل نظام پاسخ‌دهی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان

مسئله مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، به‌مثابه یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوق کیفری در کشور ایران به‌شمار می‌رود. در قانون مجازات اسلامی سابق، مصوب ۱۳۷۰، طبق ماده (۴۹) آن، اطفال (اعم از بالغ و غیربالغ) در صورت ارتکاب جرم، از هرگونه مسئولیت کیفری میرا بوده و براساس نظر دادگاه، تربیت آنان برعهده ولی اطفال می‌باشد و در صورت لزوم، یک مرکز اصلاح و تربیت برای کودکان ایجاد شده است. این امر به سبب آسیب‌دیدگی و آسیب‌پذیری آنان توسط نهادهای مسئول صورت می‌گیرد و هدف از آن، کمک به آنان است. با این حال در برخی از مواد این قانون، از جمله مواد (۱۱۲) و (۱۱۳) مجازات کیفری برای خردسالانی که مرتکب جرائم شدید، از جمله مالیات می‌شوند، پیش‌بینی شده بود؛ امری که در تعارض آشکار با مفاد ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، قرار داشت. این نکته را باید در نظر داشت که، یا باید پذیرفت که اطفال در صورت ارتکاب جرم، میری از مسئولیت کیفری‌اند؛ یا اینکه قابل مجازات می‌باشند و خارج از این دو حالت، جایز نمی‌باشد (سادات، ۱۳۷۲: ص ۸۱).

حتی اگر استدلال گردد که با عنایت به تعریف ارائه‌شده برای تعزیر در ماده (۱۶) این قانون، که تعزیر را «تأدیب» یا «عقوبتی» دانسته است که نوع و مقدار آن، در شرع تعیین نشده و به‌نظر حاکم، نهاده شده است؛ از این‌رو، مراد از اصطلاح «تعزیر» در ارتباط با بزهکاری اطفال نابالغ، یک «تعزیر تأدیبی» است، نه «تعزیر عقوبتی»؛ در صورت در نظر گرفتن استدلال بالا نیز، مشکل همچنان پا برجا است. زیرا مستند به ماده (۱۲) قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، تعزیر، اعم از تأدیبی یا عقوبتی، یکی از گونه‌های «مجازات‌های مقرر در این قانون» به‌شمار می‌رفت؛ حتی اگر مراد از اصطلاح «تأدیب» در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سابق، یک کیفر تعزیری تأدیبی در ارتباط با نابالغی که دیگری را قذف نماید، باشد. بنابراین، اولاً نمی‌توان پذیرفت که اصل بر این است که اطفال در صورت ارتکاب جرم، از مسئولیت کیفری معاف هستند؛ مگر در رابطه با ارتکاب جرایم زنا و زنا از طرف خود، که در این صورت تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد؛ زیرا به‌رحال در نظام حقوق کیفری وقت ایران، امکان مجازات افراد کم‌سن و سال وجود داشت. در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، براساس ماده (۱۸)، «تعزیر به «مجازات»ی» اطلاق می‌شود که موجب حد، قصاص و دیه نمی‌شود و طبق قانون، در موارد منع شرعی (مجازات شرعی) یا تخلف از مقررات دولتی (تعزیرات حکومتی)، تعیین و اجرا خواهد شد» (تاج‌زمان، ۱۳۷۸: ص ۳۴).

ثانیاً، مستند به ماده (۱۴۸) قانون موصوف، «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی (نه مجازات) اعمال می‌شود». در واقع، با عنایت به اینکه پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری

نسبت به بزهکاری و بزهکاران، منحصر در پاسخ‌دهی کیفری نمی‌باشد؛ بلکه راهبردهای غیرکیفری و اصلاحی، تربیتی و بازپرورانه نیز ممکن است به‌عنوان پاسخی اصیل یا بدل از کیفر، اتخاذ گردند؛ و نیز با عنایت به اینکه به‌منظور اعمال کیفرهای حدی، قصاص و تعزیری، وجود شرایط مسئولیت کیفری از جمله بلوغ، عقل، علم و آگاهی و قصد نیز ضرورت دارد و در عین حال، حراست و حمایت از نظم عمومی و امنیت اجتماعی، در برابر حالات خطرناک و افراد مستعد یا دارای حالت خطرناک بالفعل یا بالقوه، امری ضروری است (مغنیه، ۱۳۷۲: ص ۶۷)؛ از این رو، مسئولیت کیفری بر دو گونه «مسئولیت کیفری مطلق» و «مسئولیت کیفری نسبی»، قابل دسته‌بندی می‌باشد. «کسانی که دارای شرایط مسئولیت کیفری نمی‌باشند، نظیر مجانین، در صورت ارتکاب جرایم و برهم زدن نظم عمومی و امنیت اجتماعی، چنانچه آزاد بودن آنان، محلّ (بالفعل یا بالقوه) نظم عمومی و امنیت اجتماعی جامعه باشد؛ به دستور دادستان، تا رفع حالت خطرناک، در محل مناسب نگهداری می‌شوند» (ماده ۱۵۰ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). لذا، جز در موارد خاص که بحث نظم عمومی و امنیت اجتماعی مطرح است، در سایر موارد، پذیرش سن مسئولیت کیفری، مسئله‌ای است که همواره مورد توجه حقوق‌دانان و مدافعان حقوق کودکان و نوجوانان مطرح بوده است.

۵. قانون مجازات اسلامی جدید

در قانون مجازات اسلامی جدید، در خصوص برخی از اطفال صغیر، «مسئولیت کیفری نسبی» پیش‌بینی شده است. تبصره (۲) ماده (۸۸) قانون جدید بیان می‌کند، صغیرانی که مرتکب یکی از جرایم مستلزم مجازات شوند، در صورتی که سن آنها بین ۱۲ تا ۱۵ سال قمری باشد (یعنی فقط پسران صغیر) با «توییح یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار» یا «حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال برای جنبه‌های تعزیری درجه ۱ تا ۵» مجازات می‌شوند؛ زیرا درکنار اقدامات حمایتی و تربیتی، اقدامات حقوقی نیز لحاظ می‌شود. طبق تبصره مذکور و عبارت «و غیرآن» در آن، به‌نظر می‌رسد اطفال صغیر مرتکب هریک از جرایم، در صورتی که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۲ سال باشد، مجازات خواهند شد. البته در مورد دختران می‌بایست ۹ سال قمری نیز کامل باشد و در مورد پسران ملاک کمتر از ۱۲ سال شمسی است که در این صورت به یکی از اقدامات (تربیت اصلاحی) موضوع بندهای (الف) تا (ج) ماده (۸۸) قانون اسلامی محکوم خواهند شد (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۱ الف: ص ۴۵). این امر ممکن است شامل موارد زیر شود: تسلیم در برابر اولیای دم یا قیم یا قیم قانونی همراه با الزام به تأدیب، تربیت و اطمینان از حسن خلق طفل صغیر؛ یا تسلیم در برابر سایر اشخاص حقیقی یا اخلاقی، البته بر اساس آنچه که دادگاه مقتضی بداند. طفل

صغیر در صورتی موظف به اجرای دستورات مندرج در بند (الف) این ماده می‌شود که صلاحیت والدین یا قیم قانونی وی احراز نشود؛ یا اینکه به والدین یا قیم قانونی دسترسی وجود نداشته باشد که در این صورت براساس ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و نیز نظر قاضی دادگاه، مجازات اعمال می‌شود (بهشتی، ۱۳۵۳: ص ۲۳).

در قانون‌گذاری جدید کشور ایران، دادگاه مکلف است در مورد اطفال نابالغ، پسران نابالغ ۹ سال تا ۱۵ سال تمام شمسی و نیز، دختران بالغ ۹ سال تا ۱۵ سال تمام شمسی، که مرتکب یکی از جرایم تعزیری می‌شوند، یکی از تصمیمات و تدابیر تأمین‌تریبیتی موضوع ماده (۸۸) قانون جدید را، اتخاذ نماید (روحانی و مهرپور، ۱۳۹۱: ص ۱۲۵). بنابراین، افراد نابالغ چه دختر و چه پسر، در جرایم تعزیری ارتكابی، از مسئولیت کیفری مبرا هستند و این در قالب اقدامات تأمین‌تریبیتی است. براساس ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۱، «مسئولیت کیفری در حدود قصاص، قصاص و مجازات (نه در دیات) زمانی معتبر است که شخص در حال ارتكاب جنایت، عاقل، بالغ و مستقل باشد؛ مگر در مورد اکراه از قتل که حکم آن در کتاب سوم قصاص، یعنی مواد (۳۷۵) و (۳۷۶) آمده است». مفهوم مخالف این ماده، آن است که اگر شخصی در حال ارتكاب جرم، نابالغ، مجنون یا فاقد اراده و اختیار باشد؛ مسئولیت کیفری ندارد. این مفهوم در رابطه با اطفال صغیر در ماده (۱۴۶) قانون جدید و اعمال این ماده در نفی مسئولیت کیفری قانون جدید توضیح داده شده است. صغار، شامل کلیه فصول حدود، قصاص و مجازات می‌باشد و مانند قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، اعمال آن محدودیتی ندارد و هیچ‌یک از فرزندان صغیر، قابل مجازات نیستند؛ اما به موجب ماده (۱۴۸) قانون جدید، اقدامات حمایتی و تربیتی براساس احکام این قانون در مورد آنها اعمال می‌شود. تشبیه صغیر برخلاف مفاد حدیث رفع قلم است، که در صورت ارتكاب محرم یا ترک واجبات، مسئولیت از صغیر ساقط شده است (جعفری، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۶۵). حقوق کیفری انگلستان، اصول و اندیشه‌های حاکم بر اصلاحات تقنینی سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ م. از یک سو، سختگیرانه و سرکوب‌گر بوده و از سوی دیگر، بر مشارکت فعال جامعه مدنی در فرآیند عدالت کیفری صغار، در جهت ترمیم ذی‌نفعان در جرم ارتكابی، تأکید داشته است. به عبارتی، قانون موضوعه انگلستان، با عنایت به تأثیر بزهکاری بر بزه‌دیدگان و سایر اشخاصی که به‌نوعی از جرم متأثر می‌شوند (خانواده، خویشان، دوستان، شبکه‌های محلی و...) جرم را پیش از هر چیز، «تجاوز به حقوق فردی بزه‌دیده» تلقی کرده؛ و نه نقض قوانین دولتی و حقوق کل جامعه. همچنین، اصلاحات قانونی به‌عمل آمده در نظام حقوقی انگلستان، زمینه مشارکت داوطلبانه طفل یا نوجوان معارض قانون را، در قالب فرآیند مذاکره و گفت‌وگو به‌منظور ترمیم خسارات مادی، روانی و معنوی بزه‌دیده فراهم نموده است (مهر، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸-۱۷۷).

۶. نهادهای جدید دادرسی اطفال در نظام حقوقی انگلستان

تغییر و تحولات در سیاست‌گذاری در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان با تصویب دو قانون مهم جنایی و اختلالی، مصوب ۱۳۷۷ و قانون رسیدگی به جرائم و انگیزه‌های مجرمانه اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۷۸، باعث شد که این دو قانون به تصویب رسید. با ایجاد تغییرات مهم در سازمان دادگستری کودک و نوجوان، نظام جدید دادگستری کودک و نوجوان، اهداف جدیدی را در پیش گرفته و عناصر و مؤلفه‌های جدیدی را برای دستیابی به آنها ایجاد کرده است؛ که شامل سازماندهی گسترده در سطح ملی و محلی است. همچنین ابتکاراتی را برای رسیدگی به عوامل اجتماعی که منجر به بزهکاری نوجوانان می‌شود، اجرا کرده است. این موارد بر سه پایه استوار بود:

(۱) پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان به‌عنوان هدف اولیه نظام قضایی اطفال (ماده ۳۷ قانون جرایم و اختلالات).

(۲) تشکیل سازمان مرکزی نظارت و توسعه دادگستری کیفری اطفال^۱ به‌منظور مشورت با وزارت کشور در زمینه اجرا و توسعه خدمات عدالت اطفال (ماده ۴۱ قانون جرایم).

(۳) ایجاد کمیسیون‌های محلی مبارزه با بزهکاری اطفال^۲ برای همکاری با خدمات قضایی اطفال محلی (ماده ۳۹ قانون جرایم ومشکلات) (عباچی، ۱۳۸۰: ص ۱۰۲).

قانون جرایم و اختلالات، تغییراتی را در رویکرد فوق‌الذکر در مورد بزهکاری نوجوانان ایجاد کرد که مبتنی بر مداخله زودهنگام روانی- اجتماعی، پیشگیری اولیه و پیشگیری از تکرار جرم است. مداخله روانی اجتماعی اولیه با کودکان مبتنی بر وجود عوامل خطر است؛ که می‌توان آن را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کرد که ظهور و تداوم رفتار مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان تسهیل می‌کند. هرچه قرار گرفتن فرد در معرض خطر زودتر اتفاق بیفتد، آشکال آن بیشتر و مدت آن بیشتر باشد، احتمال ورود و ارتکاب رفتار مجرمانه جدی و ادامه آن، بیشتر می‌شود. دولت، شش موضوع کلیدی را فهرست کرده که دست‌اندرکاران سیستم قضایی اطفال، باید در نظر بگیرند: تأخیر در پردازش و پردازش سریع، برخورد با پیامدهای اعمال کودکان متخلف و کمک به افزایش احساس مسئولیت آنها، مداخله در برابر مجرمان، تناسب مجازات با شدت جرم، تشویق به پرداخت غرامت به قربانیان توسط کودکان بزهکار، و تمدید مسئولیت والدین (مهر، ۱۳۸۹: ص ۷۸).

1. YJB

2. YOT

۷. سازمان مرکزی نظارت و توسعه دادگستری کیفری اطفال و نوجوان

سازمان مرکزی نظارت و توسعه دادگستری کیفری اطفال و نوجوانان، یک دستگاه اجرایی است که به موجب بند (۴۱) قانون جرائم ایجاد شده و ۱۰-۱۲ عضو آن توسط وزیر کشور، منصوب می‌شوند. مأموریت‌های این سازمان به شرح زیر است:

- ارائه مشاوره به وزارت کشور در خصوص اجرای عدالت اطفال در زمینه پیشگیری.
- نظارت بر عملکرد سیستم قضایی اطفال، از جمله دادگاه اطفال و کمیسیون‌های محلی برای مجرمان نوجوان.

- ارائه مشاوره به وزارت کشور در تعیین معیارهای عملکرد برای هیئت‌های مجرمین نوجوان محلی.
- شناسایی و اعمال بهترین شیوه‌ها در رویه‌ها برای کودکان.

۷-۱. کمیسیون‌های محلی برای مجرمان جوان (YOT) (تیم‌های بزهکار نوجوانان)

کمیسیون‌های محلی بزهکاری اطفال، بر سیستم قضایی اطفال در سطح محلی نظارت دارند. هدف دولت از ایجاد این کمیسیون‌ها، متحد کردن مقامات محلی ذی‌صلاح برای ارائه مداخلات اجتماعی محلی و نظارت بر مجرمان کودک و نوجوان بود. این کمیسیون‌ها متشکل از کارکنان سیستم عدالت کیفری اطفال، افسران پلیس، افسران مشروط و روانپزشکان هستند. تشویق کودکان و نوجوانان به رویارویی با پیامدهای جرم و در نتیجه، کاهش میزان تکرار جرم، حمایت از کودکان تحت دستور قضایی، نظارت بر نوجوانان تحت امر قضایی، تهیه گزارش‌های لازم برای دادگاه و حمایت از کودکان محکوم در اجرای حکم و پس از آزادی از حبس، از جمله وظایف این مؤسسات است (غلامی، ۱۳۸۳: ص ۲۸). از اقتضانات حکمرانی مطلوب این است که بر سیستم قضایی اطفال و نوجوانان نظارت شود و از کودکان محکوم، حمایت گردد. در اسناد بین‌المللی، سن بلوغ و اهلیت قانونی، که شخص از دوران کودکی خارج می‌شود و حقوق و مسئولیت‌ها و اهلیت لازم را در همه امور مدنی و کیفری پیدا می‌کند، همان سن ۱۸ سال تمام است؛ که بسیاری از کشورها نیز همین سن را به‌عنوان سن رشد قانونی در قوانین داخلی خود تعیین کرده‌اند. در عین حال، تعیین سن بلوغ در کمتر از این مدت هم به کلی منع نشده و به قوانین داخلی کشورها موکول شده است. در خصوص مجازات اعدام، سن ۱۸ سال به‌عنوان مقطع قطعی سن، تعیین شده که برای جرائم ارتكابی در سن کمتر از ۱۸ سال، حکم مجازات اعدام نباید صادر و اجرا شود (روحانی و مهرپور، ۱۳۹۱: ص ۷۳). در ایران و انگلستان نیز مانند بیشتر کشورها، همین سن را به‌عنوان سن رشد قانونی تعیین کرده‌اند.

۷-۲. معیارهای تعیین سن بلوغ کیفری در مقررات پکن (شرق)

انجمن بین‌المللی حقوق کیفری در هفدهمین کنگره خود در پکن (سپتامبر ۲۰۰۴)، سن مسئولیت کیفری را ۱۸ سال تعیین کرد. این درحالی است که در مصوبه نهایی خود مقرر داشته است: «قانون باید حداقل سنی را که تا قبل از آن، امکان اعمال نظام کیفری خاص برای اطفال وجود دارد، تعیین کند و این حداقل سن نباید کمتر از ۱۴ سال باشد. همچنین کودکانی که با قانون در تعارض هستند، ترجیحاً باید تحت اقدامات اصلاحی-تربیتی یا سایر مجازات‌های ترمیمی و بازپروری یا در صورت لزوم، مجازات استثنایی کیفری به معنای سنتی آن قرار گیرند (نجفی توانا، ۱۳۸۷: ص ۲۳). بنابراین، سن مسئولیت کیفری در مقررات پکن، نباید خیلی کم در نظر گرفته شود؛ بلکه باید به توسعه جنبه‌های احساسی و ذهنی افراد توجه گردد. همین اساس است که مقررات پکن، تعیین سن مسئولیت کیفری را زمانی که فرد به رشد فکری و ذهنی نرسیده است اجازه نمی‌دهد.

از سوی دیگر، از سایر اسناد بین‌المللی استنباط می‌شود که تعیین سن مسئولیت کیفری به این معنا است که امکان تماس کودک با سیستم قضایی و مقررات کیفری قبل از رسیدن به سن معینی مانند ۱۴ سالگی وجود ندارد. به عبارت دیگر، کودک زیر ۱۴ سال در صورت ارتکاب جرم، ضمن بهره‌مندی از عوامل کاهش مسئولیت کیفری، قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود؛ اما از آستانه سن مسئولیت کیفری تا سن بلوغ کیفری که طبق رویه کشورهای به ۱۸ سال معروف است، قابل تعقیب و مجازات است (دانش، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷). علاوه بر این، دستورالعمل هاوانا در سال ۱۹۹۰ درباره کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، که به‌عنوان حداقل قوانین سازمان ملل برای حمایت از جوانان محروم از آزادی نیز شناخته می‌شود، راهبردهای خاصی در این زمینه ارائه کرد که همه افراد زیر ۱۸ سال را در بر می‌گرفت (اردبیلی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۱۲۹).

۸. ارزیابی نظام حقوق کیفری ایران و چالش‌های فراروی آن

نکته‌ای که در رابطه با مواد (۸۸) و (۸۹) قانون مجازات اسلامی جدید به ذهن متبادر می‌شود، این است که قانون‌گذار در این دو ماده، به سن مرتکب «در زمان ارتکاب جرم»، توجه کرده است. حال اگر مثلاً پسری در سن ۱۵ سالگی مرتکب قتل عمدی شود، اما در ۲۴ سالگی دستگیر و محاکمه شود؛ در اینجا اگر بنا به تشخیص دادگاه اطفال و نوجوانان، متهم هنگام ارتکاب قتل، ماهیت جنایت ارتكابی یا حرمت آن را درک نکرده باشد، یا در رشد و کمال ذهن او تردید وجود داشته باشد، براساس ماده (۹۱) قانون جدید به یکی از مجازات‌های ماده (۸۹)، یعنی بازداشت در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. آیا این

جوان ۲۴ ساله نیز باید در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شود؟ آیا این نتیجه اراده آگاهانه قانون‌گذار بوده است؟ حقوق کیفری کودکان در کنار تأکید بر انسانی شدن نظام کیفری، توجه مجامع بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل را به خود جلب کرده است. در این چارچوب، چندین سند الزام‌آور و جهت‌دهنده در قالب قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و با هدف تأثیرگذاری بر عدالت کیفری کودکان در کشورها و تضمین حقوق کودکان تأیید شد. با این هدف که در نهایت باید واکنش‌های متناسب با شخصیت و ویژگی‌های کودکان توسط قانون پیش‌بینی شود (مهر، ۱۳۸۹: ص ۲۵). البته باید در نظر داشت که هدف، مجازات کودکان و نوجوانان که گرفتار بزه اجتماعی شده‌اند، نیست؛ بلکه هدف، اصلاح و بازپروری و حمایت از آنها است.

به‌منظور ارتقاء کیفیت عدالت کیفری ویژه اطفال، با در نظر گرفتن میزان حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشری نسبت به آنان، در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصلاحات و نوآوری‌های بسیاری صورت گرفته است. لیکن، با عنایت به مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ این قانون که سن بلوغ کیفری را، معادل سن مسئولیت کیفری قرار داده است و همچنین، با عنایت به شیوه نگارش ماده ۹۱ این قانون، همچنان قابلیت اعمال کیفرهای سالب حیات و کیفرهای بدنی نسبت به بالغین زیر ۱۸ سال که مشتمل بر دختران ۹ و پسران ۱۵ سال تمام قمری تا زیر ۱۸ سال تمام شمسی هستند، وجود دارد؛ با وجود این، همچنان از این حیث، نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان معارض قانون در کشور ایران، در تطبیق کامل با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار ندارد. رویکرد نوین مبارزه با بزهکاری اطفال و نوجوانان، رویکردی تلفیقی مبتنی بر راه‌حل‌های اجتماعی ملهم از عدالت ترمیمی، راه‌حل‌های تربیتی و راه‌حل‌های کیفری تعدیل‌یافته و گاه، شدید می‌باشد. واکنش اجتماعی نشأت گرفته از عدالت ترمیمی، از مسیر مشارکت جامعه مدنی و با هدف آموزش اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار اعمال می‌گردد. در عدالت ترمیمی، بزهکاری به‌طور عام و بزهکاری اطفال به‌طور خاص، یک «اشتباه اجتماعی» تلقی می‌شود؛ و نه اقدامی علیه دولت و امنیت جامعه؛ و هدف اصلی آن، ارائه راهکارهایی مبتنی بر جبران خسارت وارده به کودک، جامعه و یا قربانی است که ناشی از این خطا است (بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ص ۴۶؛ نجفی ابرندآبادی، ب ۱۳۸۱: ص ۳۴-۲۶؛ غلامی، ۱۳۸۳: ص ۲۶).

۹. تدابیر ترمیمی - تربیتی

«تدابیر ترمیمی - تربیتی»، تدبیری غیرکیفری و نوین و متفاوت از «تدابیر صرفاً تربیتی» بوده؛ که به‌منظور

تربیت اخلاقی طفل و واردسازی وی در دنیای هنجارهای زندگی اجتماعی و پرورش شخصیت طفل بر مبنای قواعد زندگی اجتماعی و هنجارهای حقوقی، اتخاذ می‌گردد. در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی که مجازات قانونی آنها، تعزیر درجه شش تا هشت است، مستند به بندهای (ت) و (ث) ماده ۸۹ قانون جدید، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت جایز نمی‌باشد و این در حالی است که مفهوم مخالف قسمت اخیر تبصره (۱) ماده (۸۸) قانون جدید، مبین این است که نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نسبت به مرتکبین جرایم تعزیری درجه شش تا هشت که سن آنها، ۱۲ تا ۱۵ سال می‌باشد، اختیاری و جایز است. در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، میزان مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تعیین نشده بود و همه اطفال نابالغ زیر ۹ سال نیز ممکن بود به موجب حکم قضایی دادگاه، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکومیت یابند. نکته، در ارتباط با «پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته» در ارتباط با اطفال و نوجوانان معارض قانون است.

در این راستا، در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز، با عنایت به اعتبار ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، می‌توان به استفاده از «پاسخ‌های فرصت‌بخش به اطفال معارض قانون» به منظور قضازدایی و جلوگیری از توسل بی‌رویه به مراجع قضایی و اجتناب از اثرات زیان‌بار آن برای اطفال و نوجوانان معارض قانون اشاره کرد. نمونه‌های این پاسخ‌ها را می‌توان در استفاده از نهادهای حقوقی «تعلیق تعقیب»، «تعویق صدور حکم»، «قرار ترک تعقیب»، «قرارات اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم و یا نصیحت به وسیله قاضی دادگاه» ملاحظه نمود. این روش‌ها به کودکان و نوجوانان در تعارض با قانون، اجازه می‌دهد تا تمایل خود را برای مسئولیت‌پذیری نشان دهند. تنظیم چنین وصیتی توسط کودک یا نوجوان در تضاد با قانون، این مزیت را به او می‌دهد که تحت تعقیب کیفری قرار نگیرد، محکومیت کیفری نداشته باشد، یا اعدام نشود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱ الف: ص ۷۰). «محدودیت در بازداشت موقت پیش از محاکمه و اتخاذ آن به‌مثابه آخرین راه و حربه و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن و پیش‌بینی اقدامات جایگزین» به جهت وجود خطر آسیب‌پذیری آنان در طول مدت بازداشت موقت، مورد توصیه مواد (۱۳(۵) و (۱۳(۱) مقررات پکن و نیز، مواد ۱۷ و ۱۸ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ و نیز، قطعنامه شماره ۴ ششمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران، قرار گرفته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ص ۱۴۰). به‌طور کلی، جلوه‌های اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان را می‌توان در «عدم رعایت مقررات تکرار جرم»، «رسیدگی مصلحت‌گرا»، «معاف‌سازی طفل از حضور دائم یا موقت در دادرسی»، «ممنوعیت انتشار جریان دادرسی»،

«ضرورت تشکیل پرونده شخصیت»، «ضرورت حضور والدین یا وکیل تعیینی و یا تسخیری»، «ممنوعیت افراط‌گرایی در بازداشت‌های پیش از محاکمه» و «تجدیدنظر مکرر در آراء و تصمیمات» و «فقدان آثار کیفری برای محکومیت اطفال و نوجوانان» لحاظ نمود (آشوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۶۷). از آنجا که از لحاظ شکل و نحوه رسیدگی، دادرسی به جرایم کودکان و نوجوانان از دادرسی به جرایم بزرگسالان متفاوت است، قانون‌گذاری نیز متفاوت است.

۱۰. برخورد نظام کیفری با اطفال و نوجوانان بزهکار

برخورد نظام کیفری با اطفال و نوجوانان بزهکار، به جهت اهمیت سن کودکی و نوجوانی و تأثیری که این دوران در ساخت شخصیت آینده کودک دارد، در زمره مباحث حساس جرم‌شناسی قرار دارد. جرم‌شناسان، ادوار زندگی انسان را به دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و پیری دسته‌بندی نموده‌اند. دوره خردسالی یا کودکی، از آغاز تولد تا سنین ۹ یا ۱۲ سالگی است، که با رشد جسمی کودک، وضعیت روانی و شخصیتی وی نیز تکوین می‌یابد. دوران کودکی، دوران نیاز به مراقبت از لحاظ جسمی و تغذیه مناسب و نیاز به عاطفه و محبت و راهنمایی آگاهانه و علمی در مسائل احساسی، تخیلی و ذهنی است. نرخ ارتکاب جرم در این دوره از زندگی انسان، به جهت ضعف قوای جسمی و روانی و اتکاء داشتن به بزرگ‌ترها، کمتر است؛ لیکن، فقر و بی‌ثباتی پایه‌های خانواده و کمبودهای عاطفی حمایتی در این دوره سنی، در زمره عوامل اصلی پیدایش زمینه‌های جرم در وجود کودک به‌شمار می‌رود. دشوارترین دوران حیات آدمی از لحاظ تربیتی، دوره نوجوانی، یعنی محدوده سنی بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی می‌باشد؛ که مستلزم ارائه آموزش‌های لازم به اطفال و نوجوانان در این سنین خواهد بود. در قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴ تحت تأثیر قانون مجازات فرانسه، در ماده (۳۴) مقرر شده بود: «اطفال بدحساب، قابل مجازات کیفری نیستند، هر طفلی که ۱۲ سال سن نداشته باشد، حکم عدم تبعیض دارد. بنابراین، اطفال زیر ۱۲ سال مسئولیت کیفری ندارند و در صورت ارتکاب اعمال خلاف قانون قابل تعقیب کیفری نمی‌باشند و مقامات قضایی می‌توانند به سادگی آنها را به والدین یا قیم یا سازمان ویژه مربوطه تحویل دهند» (فوک، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷).

در مورد صغار بین ۱۲ تا ۱۵ سال نیز در بند آخر همین حکم آمده بود: «در صورت ارتکاب جرم، صغیر باید با التزام به تأدیب و مراقبت از اخلاق حسنه به والدین تحویل داده شوند». همین قانون مقرر می‌دارد: «در صورت ارتکاب جرم صغیری که به سن ۱۵ سالگی نرسیده باشد، فقط به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». اما برای اطفال و نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال، مجازات شدیدتری از جمله حبس در دارالتأدیب تا ۵

سال در نظر گرفته شده است. در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، به استناد ماده (۴۹) این قانون، اطفال در صورت ارتکاب جرم، از مسئولیت کیفری معاف هستند و طبق نظر دادگاه، تحصیل آنها به عهده والدین آنها و قیم قانونی یا کانون اصلاح و تربیت می‌باشد. در این قانون، فرزندان، کسانی هستند که به بلوغ دینی نرسیده باشند. حد بلوغ شرعی در این قانون تعیین نشده است و باید به قانون مدنی مراجعه کرد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۱۳۴). بنابراین، دختران بالای ۹ سال تمام قمری و پسران بالای ۱۵ سال تمام قمری، دارای مسئولیت کیفری هستند و با آنها مانند بزرگسالان رفتار می‌شود. در ماده (۵۰) این قانون نیز مقرر شد: «هرگاه صغیر مرتکب قتل، جراحت یا ضرب و شتم شود، عاقل ضامن است، اما در تلف شدن مال شخصی، خود طفل ضامن بوده و پرداخت آن از اموال طفل برعهده ولی است». البته قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی قبلی، مصوب ۱۳۷۰، اصل «عدم مسئولیت کیفری اطفال» و استثنائاً امکان مجازات را مقرر کرده بود. آنها یک ماده قانونی وضع شده بودند؛ چیزی که شایسته نقد به نظر می‌رسید.

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به طور کلی، اطفال و نوجوانان به چهار دسته تقسیم‌بندی گردیده است. دسته نخست، «اطفال، اعم از دختر و پسر، تا ۹ سال»، یعنی کمتر از ۹ سال، که برای آنها هیچ‌گونه مسئولیتی پیش‌بینی نگردیده و حتی فراتر از آن، هیچ تدبیر، حتی حمایتی نیز، پیش‌بینی نگردیده و اصلاً این دسته از اطفال نباید وارد چرخه عدالت کیفری و دستگاه قضایی گردند؛ بلکه بایستی بدواً به ولی یا سرپرست قانونی‌شان سپرده شود و در صورتی که ولی یا سرپرستی ندارد، به تشخیص و تعیین دادستان، برای آنها قیم یا سرپرستی تعیین گردد؛ تا به امر تربیت او پردازند. دسته دوم، «اطفال، اعم از دختر و پسر، از ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی در قلمرو جرایم مستوجب کیفر تعزیری» هستند؛ که پسران نابالغ ۹ تا ۱۵ سال و دختران بالغ ۹ تا ۱۵ سال را در برمی‌گیرد و نسبت به آنها صرفاً تدابیر کاملاً اصلاحی، تربیتی و مراقبتی اتخاذ می‌گردد و حداکثر واکنش نسبت به آنها، در قالب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، متجلی خواهد گردید.

در تعیین سنّ مسئولیت کیفری، هرچند مستند به ماده (۱۴۷) قانون جدید مجازات اسلامی «سن بلوغ شرعی» لحاظ گردیده است؛ با این وجود، در مقام تعیین بهترین نوع واکنش و پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری نسبت به آنها، به موازات «سنّ بلوغ شرعی»، «سنّ بلوغ عقلی و فکری» نیز لحاظ گردیده است. در سطحی وسیع‌تر، براساس ماده (۷) مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای حقوق کودکان و نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ (مقررات پکن) و نیز مواد (۳۹) و (۴۰) کنوانسیون حقوق کودکان، چتر حمایتی قانون‌گذاران باید متوجه کودکان باشد و اصول اساسی و ضمانت‌های دادرسی عادلانه باید در جریان تعقیب، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان رعایت شود. اصولی مانند اصل قانونی بودن جرم و

مجازات، اصل برائت، حق اطلاع از اتهامات با دلایل آنها، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، ممنوعیت شکنجه و سایر اشکال آزار و اذیت. در برخورد با اتهامات کودکان و نوجوانان، همواره باید به منافع کودکان و نوجوانان توجه شود و از هرگونه برخوردی که با حیثیت و اعتمادبه‌نفس آنان منافات داشته باشد، و یا در تشدید شرایط نامساعد آنان مؤثر باشد، اجتناب شود. در واقع، می‌توان گفت از نوع برخورد و مواجهه جامعه اعم از حکومت و نهادهای قضایی و اجتماعی با کودکان و نوجوانان، می‌توان سطح رشد و توسعه و رضایتمندی مردم را متوجه شد. در امر قضا حتی حیثیت و اعتمادبه‌نفس کودکان و نوجوانانی که گرفتار بزه اجتماعی شده‌اند، محترم است و باید رعایت شود و این از بنیان‌های حکمرانی مطلوب است.

۱۱. سرعت رسیدگی به پرونده کیفری اطفال و نوجوانان

مستند به ماده (۲) مقررات پکن و بندهای (۲) و (۳) ماده (۴۰) کنوانسیون حقوق کودک، سرعت رسیدگی به پرونده کیفری اطفال و نوجوانان معارض قانون بایستی بی‌درنگ و فوری باشد و اطلاع دادرسی بدون وجود عذر موجه (تأخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده اطفال و نوجوانان) به جهت تأثیرات سوء و ناپسند بر روند رشد عقلی، روانی، عاطفی و شرایط خاص اجتماعی آنها، جایز نمی‌باشد. تعیین سن مسئولیت کیفری و مرزبندی دقیق میان چگونگی رسیدگی به بزهکاری و انحرافات اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال تمام شمس، حائز اهمیت زیادی خواهد بود. پرهیز از ورود اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال در عرصه دادرسی‌های کیفری، چه به‌عنوان افراد معارض قانون و چه به‌عنوان شاهد یا تماشاجی و به‌مثابه یکی از معیارهای صحیح حمایتی از این دسته از افراد، به جهت پرهیز از ورود آسیب‌های اخلاقی- تربیتی و انحطاط اخلاق در آنها به‌شمار می‌رود. از این‌رو، همگام با ماده ۱۱ مقررات پکن، ماده (۲۲۳) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، هرگونه احضار یا معرفی اطفال به دادرسی به‌منظور انجام تحقیقات و جلسات مقدماتی از طریق ولی یا قیم قانونی آنان امکان‌پذیر است (بهشتی، ۱۳۵۳: ص ۵۶).

در ارتباط با توقیف پیش از محاکمه اطفال و نوجوانان نیز، بند (ب) ماده (۳۷) کنوانسیون حقوق کودک و نیز، ماده (۱۳) مقررات پکن، بازداشت پیش از محاکمه آنها را، صرفاً به‌عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت زمانی میسر دانسته است؛ تا از این مسیر، فرآیند برجسب‌زنی‌های مجرمانه و نیز، فرهنگ‌پذیری از محیط بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها نسبت به آنها کنترل گردد. در این راستا، تحقیقات مقدماتی و فرآیند رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض قانون بایستی به‌صورت غیرعلنی برگزار شده و حریم

شخصی آنها حفظ گردد. رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، ولو به صورت غیابی صورت پذیرد، حضوری محسوب می‌گردد و کلیه آرای صادره علیه آنان، قابل اعتراض خواهند بود (زهر، ۱۳۸۲: ص ۲۲). از شاخصه‌های حکمرانی مطلوب که موجب رضایتمندی مردم می‌گردد، توجه به حقوق کودکان و نوجوانان به عنوان نسل آینده جامعه است؛ به‌ویژه رعایت حریم شخصی آنان، آسیب‌پذیری روحی و روانی آنان، جلوگیری از برچسب‌زنی در روند قضایی کودکان و نوجوانانی که دچار بزه اجتماعی یا درگیر پرونده‌های قضایی شده‌اند.

در نظام حقوق کیفری موضوعه ایران، دختران بالغ ۹ سال تا ۱۵ سال تمام شمسی، در صورتی که مرتکب جرایم تعزیری گردند، مستند به اطلاق ماده (۸۸) قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دارای مسئولیت کیفری نقصان‌یافته می‌باشند و کیفر بزرگسالان در ارتباط با آنان اجرا نمی‌گردد. اصل بر این است که «مسئولیت کامل کیفری در بزرگسالی» وجود دارد؛ مگر اینکه به استناد ماده (۹۱) قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ به تشخیص دادگاه، اشخاص مذکور، ماهیت جرم ارتكابی یا حرمت آن را درک نکرده و یا در توسعه و پیشرفت آن تردید وجود داشته باشد. قانون‌گذار جدید در ماده (۹۱) قانون موصوف، در ارتباط با اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی مرتکب جرایم موجب حد یا قصاص، احراز «رشد جزایی» را جهت اثبات و اجرای احکام حدود و قصاص، لازم و ضروری پنداشته است.

۱۲. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تبیین و تشریح حدود و ثغور حداقل و حداکثر سنّ مسئولیت جزایی، در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان در تطبیق با اسناد و قواعد بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. هدف پژوهش این بود که سنّ متناسب برای اهلیت قانونی افراد، اعم از پسران و دختران، بررسی شده و مشخص گردد از نگاه قانون‌گذاران دو کشور ایران و انگلستان و نیز، از منظر تدوین‌کنندگان اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، کدام مقطع سنی می‌تواند مناسب به‌عنوان سنّ بلوغ و رشد لحاظ گردد؟ همچنین، میزان انطباق نظام حقوقی این دو کشور، در حوزه سنّ مسئولیت کیفری و مسائل پیرامونی آن، با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

تا سال ۱۹۹۸، رویکرد نظام حقوقی انگلیس در قبال مسئولیت کیفری کودکان، در نظر گرفتن نشانه‌های توسعه‌نیافتگی بود و در مورد اطفال ۱۰ تا ۱۴ سال فرض ابطال‌ناپذیر عقب‌ماندگی رشد وجود دارد و در صورتی که دادستان، رشد مجرمانه کودک را ثابت کند؛ فرض، رد شده و کودک مسئول است. عیب اصلی این

راه‌حل، تنها گذاشتن کودکان در پشت مصونیت ناشی از وجود آمار است. اگرچه کودکان بدون رشد جنایی به دلیل رفتارهای انجام‌شده به صورت مطلق یا نسبی ظرفیت خلع و تنبیه را ندارند و از این نظر قابل مجازات نیستند؛ برای رسیدن به توسعه جنایی آیا باید این کودکان را در جامعه رها کرد و منتظر آنها بود؟ بر این اساس، قانون جنایت و بی‌نظمی در انگلستان، عامل ابطال‌پذیر عدم رشد را در رابطه با کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله حذف کرد و ضمن پذیرش مسئولیت کیفری کودکان بالای ۱۰ سال، طیف وسیعی را جایگزین آن کرد؛ که شامل مقررات کیفری است که در پاسخ به بزهکاری نوجوانان ممکن است، اتخاذ شود. پس از اصلاحات اخیر در آیین دادرسی اطفال، قانون‌گذار انگلیسی تنها به اقدامات اصلاحی-تربیتی برای کودکان بزهکار بسنده نکرده است؛ در مقابل، آنها از اقدامات پیشگیرانه اولیه استفاده کردند، که علاوه بر سوءاستفاده‌کننده، بیشتر توجه و تمرکز خود را بر محیط خانه و جامعه محلی برای مقابله با عوامل خطر معطوف نمود. از این‌رو در قوانین جدید، قراردایی مانند قرار ویژه والدین، نفقه فرزند، طرح منع رفت‌وآمد شبانه و قراردای ویژه برای رفتارهای ضداجتماعی تعیین شده است.

در قانون مجازات اسلامی قدیم مصوب ۱۳۷۰، براساس ماده ۴۹، رویکرد علمی به موضوع بزهکاری اطفال و مسئولیت کیفری آن اتخاذ نشده است؛ زیرا شرط مسئولیت کیفری، بلوغ جنسی است؛ که از نظر حقوقدانان، مفهومی زیستی است، و نه براساس رشد و ارتقای قوای فکری. ضمناً واکنش‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۹ قانون مذکور، بسیار سطحی و ساده‌انگارانه بود. مواد (۸۸) تا (۹۵) قانون مجازات اسلامی جدید مانند طرح قانون جرایم علیه اطفال و خردسالان، در مقایسه با ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی قدیم، تحولی عمیق در انواع واکنش‌های اجتماعی ایجاد کرد. که در موارد بزهکاری اطفال قابل اتخاذ است؛ اما با این حال، بدون مشکل نیست. لزوم توجه به الزامات و واقعیت‌های موجود و رویکرد بین‌المللی، تدوین‌کنندگان قانون جدید را با ابهام و سردرگمی مواجه کرد.

از یک سو، بلوغ شرعی است که در دختر و پسر با علائم طبیعی و یا رسیدن به سن ۹ و ۱۵ سالگی محقق می‌شود. از سوی دیگر، توجه به واقعیت‌های موجود و عدم رشد فکری کودکان در این سن به‌ویژه دختران ۹ ساله، تدوین‌کنندگان قانون جدید را وادار به وضع مقرراتی برای اصلاح و تربیت این دسته از کودکان کرده است. پیش‌بینی و تدوین یک سیاست جنایی افتراقی ویژه و کارآمد در مبارزه علیه بزه‌کاری اطفال و بزه‌دیدگی آنها، به‌مثابه یکی از نشانه‌های توسعه فضایی کشور و سوق‌گیری و تمایل نظام حقوقی کشور به سمت‌وسوی تطبیق حداکثری خویش با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از کودکان و نوجوانان، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ خواهد بود. نظام حقوقی کشور ایران در ارتباط با کودکان و نوجوانان معارض با

قانون، در یک مقطع زمانی همگام با نظام بین‌المللی حمایت از کودکان و نوجوانان گام برداشته و در مقطعی دیگر، این همگامی متوقف گردیده و در زمان حاضر، با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی و تهیه لایحه آیین دادرسی کیفری، رجعت به سمت و سوی هماهنگی با نظام بین‌المللی آغاز نموده است.

در ارتباط با سنّ مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی، بایستی بیان نمود که مهم‌ترین منبع بین‌المللی در جهت تعیین شاخص سنّ مسئولیت کیفری و اهلیت قانونی، پیمان‌نامه حقوق کودک مصوّب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ است که در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و به موجب ماده (۱) آن، آغاز بزرگسالی و برخورداری از مسئولیت تام کیفری را، در سنّ ۱۸ سال تمام تعیین نموده و هر فرد زیر ۱۸ سال را، «کودک» تلقی کرده است؛ این در حالی است که در کشور ایران، به موجب ماده ۱۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲، سنّ بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است. از لحاظ مسئولیت کیفری، در عین حال اگر کسی در مقطع سنی کمتر از ۱۸ سال مرتکب جرمی شود که مجازات اعدام دارد، چنین فردی محکوم به مجازات اعدام نخواهد شد. این معنی به صراحت، در ماده (۳۷) کنوانسیون حقوق کودک نیز ذکر شده و در بند (۵) ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است. از آنجا که بیشتر کودکان و نوجوانانی که گرفتار بزه اجتماعی می‌شوند، در محیطی نامناسب رشد یافته‌اند و تحت تأثیر خرده‌فرهنگ‌های نادرست بوده‌اند؛ لذا، عدالت اجتماعی و عدالت قضایی که از شاخه‌های حکمرانی مطلوب است، اقتضاء می‌کند که فراتر از سیستم عدالت رسمی برای بزرگسالان، نسبت به آنان برخورد شود و هدف، بازپروری و بازگشت آنان به زندگی سالم در جامعه است.

۱۳. پیشنهادهایی برای تقویت شاخص‌های حکمرانی مطلوب در راستای قوانین کیفری

- ایجاد و تقویت نهادهای مدنی در جهت حمایت از خانواده‌ها به‌ویژه کودکان و نوجوانان.
- آموزش مردم و گردش آزاد اطلاعات در راستای افزایش آگاهی‌های مردم از حقوق و تکالیف خود و مسئولین به‌ویژه در مورد قضایی و کیفری.
- تلاش در جهت تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش امنیت روانی در جهت کاهش جرم و جنایت به قشر آسیب‌پذیر جامعه، کودکان و نوجوانان.
- ایجاد سازوکارهای نظارت و ارزیابی عملکرد مسئولین و توجه به بازخوردها با هدف افزایش کارایی و جلب رضایتمندی عمومی مردم و حمایت از حقوق شهروندی آنان.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۷۵). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: سمت، ج ۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، ج ۲.
- بهشتی، احمد (۱۳۵۳). *اسلام و حقوق کودک*. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷). *مسائل فقهی*. تهران: نشر کرامت، ج ۱.
- حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد؛ توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۷). *مطالعه مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۸.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۸). *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*. تهران: نشر میزان و دادگستر.
- روحانی، حسن؛ مهرپور، حسین (۱۳۹۱). *سن اهلیت و مسئولیت قانونی در فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*. مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زهر، هوارد (۱۳۸۲). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*. ترجمه حسین غلامی. انتشارات مجد.
- سادات، محمدعلی (۱۳۷۲). *رفتار والدین با فرزندان*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۱). *شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چارچوب نظریه سیستمی*. در: مجموعه مقالات علمی حکمرانی خوب شهری. تهران: تپسا، ج ۱.
- شاکری، حمید (۱۴۰۳). *تحلیلی بر مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۱(۱)۲.
- عباچی، مریم (۱۳۸۰). *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*. انتشارات مجد.
- غلامی، حسین (۱۳۸۳). *عدالت ترمیمی*. تهران: انتشارات سمت.
- فوک، میشل (۱۳۸۸). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*. ترجمه نیکوسرخوش و اشین جهان‌دیده. نشر نی، چاپ هشتم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۲). *فقه تطبیقی*. ترجمه کاظم پورجوادی. انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ ۴.
- مهر، نسرین (۱۳۸۹). *نظام حقوقی انگلستان*. نشر میزان، چاپ دوم.
- میدری، احمد (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی مطلوب*. رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱ الف). *از حقوق کیفری بزه‌دهنده‌مدار تا عدالت ترمیمی*. در: بزه‌دیده در فرایند کیفری، مهرداد رایجیان اصلی. تهران: نشر خط سوم.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۷). *جرم‌شناسی*. تهران: آوای حکمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). *از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار*. در: مریم عباچی، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. انتشارات مجد.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱ ب). *عدالت ترمیمی*. در: ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری. تهران: انتشارات سمت.

-
- Gibson, B. & Cavadino, P. (2002). *Introduction to the criminal justice process*. Winchester. Waterside.
- Wilson, D. & Ashton, J. (2001). *What everything in Britain should know about crime and punishment*. Oxford. OUP.